

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

گفتگو با مخالفان، راهبردی مهم در کاهش تنش‌های اجتماعی شناخته شده است؛ به همین دلیل در سیره معصومان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. این مهم در سیره امام رضا علیه السلام نیز از فراوانی خاصی برخوردار است. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بررسی این موضوع در سیره رضوی علیه السلام، به این پرسش پاسخ دهد که گفتگو با گروه‌های مختلف چه جایگاهی در سیره امام رضا علیه السلام داشت؟ و چه راهکارهایی در گفتگوهای آن حضرت به کار رفته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که امام رضا علیه السلام ضمن توجه به گفتگوهای درون‌دینی مانند گفتگو با برخی سران و پیروان واقعی و نیز متکلمان بعضی از فرقه‌های اسلامی مانند سلیمان مروزی و گفتگوهای برون‌دینی (بین‌الادیانی) مانند گفتگو با رأس‌الجالوت و جاثلیق و عمران صابنی، از راهکارهایی مانند تکریم و مهرورزی، دوری از تعصب، رعایت حقوق برابر و احترام به دیدگاه دیگران بهره‌برده‌اند و از این روش برای کاهش تنش‌های اجتماعی استفاده می‌کردند.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رضا علیه السلام، توجه آن حضرت به گفتگو با افراد و جریان‌های مختلف است. اهمیت این رفتار حضرت ثامن‌الحجج زمانی بهتر مشخص می‌شود که نقش این اقدام در کاهش تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی و اثر آن در ایجاد همگرایی تبیین گردد. نوشتار پیش‌رو درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام چگونه از گفتگو در جایگاه راهکاری برای کاهش تنش‌های اجتماعی بهره‌می‌بردند؟ این مهم نیز محقق نمی‌شود

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: H.motahari@isca.ac.ir

مگر با شناخت وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران و تبیین متناسب سیره رضوی علیه السلام در بستر تاریخی آن.

دوران امام رضا علیه السلام از نظر سیاسی هم‌زمان با ایجاد شکاف و اختلاف در دستگاه خلافت عباسی بود. هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۴) که سه تن از فرزنداناش (امین، مأمون و مؤتمن) را به ترتیب و با تعیین قلمرو حاکمیت، ولیعهد خود تعیین کرده بود، در شرایطی از دنیا رفت که برای سرکوب شورشی به خراسان رفته بود؛ در حالی که امین جانشین او در بغداد بود و فرزند دیگر و ولیعهد دومش (مأمون) همراه او در خراسان بود. با مرگ هارون، اختلاف و درگیری میان فرزندان او آغاز شد و سرانجام با کشته‌شدن امین به دست مأمون پایان یافت.^۱ مأمون که با کشتن برادرش امین، پایگاه خود را در میان خاندان عباسی از دست داده بود، مرکز خلافت را از بغداد به مرو منتقل کرد و برای به‌دست‌آوردن پایگاهی در بین ایرانیان و نیز همراه‌کردن علویان با خود و خاموش‌کردن قیام‌های علویان، اقدامات دیگری انجام داد. مهم‌ترین اقدام او در این زمان، احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و پیشنهاد خلافت و سپس ولایت‌عهدی به ایشان بود که امام علیه السلام با وجود میل باطنی و به‌اجبار آن را پذیرفت. اما برای آن شرایطی تعیین کرد که به نوعی به معنای نفی مشروعیت عباسیان بود؛ بنابراین از جهت سیاسی وضعیت آشفته‌ای در قلمرو عباسیان دیده می‌شود.

از نظر فرهنگی نیز این دوره متفاوت از دوران گذشته بود؛ از یک‌سو افکار و اندیشه‌های مختلف بر اثر نهضت ترجمه وارد جامعه اسلامی شد و از سوی دیگر برخی انحراف‌ها در میان شیعیان مانند واقفیه نیز ضربه جبران‌ناپذیری بود که اصلاح آن به‌سادگی ممکن نبود. پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، گروهی از پیروان آن حضرت به تبعیت از برخی وکیلانی که اموالی از امام در اختیار داشتند و نمی‌خواستند آن را به جانشین آن حضرت بدهند،^۲ شهادت آن حضرت و به دنبال آن امامت حضرت رضا علیه السلام را انکار کردند و امام کاظم علیه السلام را همان امام

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۸، ص ۴۷۲ - ۴۸۹؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۱۹ - ۳۳۴.

۲. شکل‌گیری جریان انحرافی واقفیه علل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی داشت که سبب انکار شهادت امام کاظم و انکار امامت امام رضا علیه السلام و ترویج اعتقاد مهدویت امام کاظم علیه السلام توسط گروهی از منحرفان گردید. برای اطلاع از علل و پیامدهای شکل‌گیری واقفه، ر.ک: ریاض محمد حبیب ناصری، الواقفیه: دراسة تحليلية؛ نیز: محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام.

قائم دانستند.^۱ قسمتی از وقت امام رضا علیه السلام صرف گفتگو با اینان شد. درواقع امام علیه السلام خطر واقعه را برای جامعه به خوبی دریافته بود و به دنبال رفع آن بودند و تدابیر خاصی برای مواجهه با آنان در پیش گرفتند که یکی از آنها گفتگو با سران و پیروان واقعه بود.

از سوی دیگر، افکار و اندیشه‌های انحرافی به علل مختلف از جمله نهضت ترجمه در جامعه گسترش یافته بود. نهضت ترجمه که در عصر اول عباسیان شکل گرفت، در دوره هارون و مأمون به اوج رسید و افکار ملت‌های دیگر را وارد سرزمین‌های اسلامی کرد. برخی از این افکار در پیوستگی با اندیشه‌های عقل‌گرایی مانند معتزله سبب رواج برخی افکار و اندیشه‌های انحرافی مانند اعتقاد به خلق قرآن گردید که از دوران امام رضا تا دوران امام هادی علیه السلام همواره یکی از پرسش‌های جامعه مسلمانان از ائمه بود. جریان فرهنگی و اجتماعی دیگری که در این دوران رواج یافت و البته ریشه آن به دوران پیش از امام رضا علیه السلام بازمی‌گشت، جریان زندقه بود که جامعه مسلمانان را تهدید می‌کرد. تحركات فرقه‌های انحرافی مانند غالیان را نیز باید بر این موارد افزود.

امام رضا علیه السلام در چنین فضایی، روش گفتگو با دیگران را در پیش گرفتند و با این شیوه بسیاری از تنش‌های اجتماعی را برطرف کردند. این گفتگوها از ابعاد مختلف از جمله مخاطبان و نیز راهکار و ابتکار امام دارای اهمیت هستند که نوشتار پیش‌رو در پی تبیین این دو نکته است.

الف) مخاطبان

گفتگوهای امام رضا علیه السلام از جهت مخاطبان را در دو دسته کلی می‌توان تبیین کرد: گفتگوهای درون‌دینی؛ گفتگوهای برون‌دینی.

گفتگوهای درون‌دینی مانند گفتگوهای امام با واقفیه برای رفع این انحراف و کاستن از تنش ایجادشده از سوی آنان در میان شیعیان و نیز گفتگو با برخی از اندیشمندان اهل سنت مانند گفتگو با سلیمان مروزی از متکلمان خراسان.

واقفیه به این دلیل دارای اهمیت است که این جریان درون جامعه شیعه و آن هم از سوی افرادی شکل گرفت که منسوب به امام کاظم علیه السلام بودند.^۲ این نکته در کنار آشنایی برخی سران واقفیه با روایات اهل بیت علیهم السلام و امامان پیشین از یک‌سو و نیز تفسیر و کلام و فقه از سوی دیگر

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۵۶.

۲. محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۶۴۴.

سبب می‌شد آنها در جذب برخی شیعیان و انحراف جامعه شیعی موفق باشند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر مهم‌ترین تشکیلات امامیه یعنی وکالت وارد شود.

امام رضا علیه السلام مانند تمام جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی با واقفیان نیز از در گفتگو در آمدند و کوشیدند با استدلال عقلی و نقلی آنان را از مسیر انحراف بازدارند و مسیر درست را به آنان بنمایانند. امام علیه السلام با توجه به خطر بزرگی که از ناحیه اینان، کیان تشیع را تهدید می‌کرد، در همان دروان آغازین امامت خود که هم‌زمان با خلافت هارون الرشید بود و با وجود خطرهایی که آن حضرت را تهدید می‌کرد، بدون تقیه امامت خود را اظهار می‌کردند.^۱ امام رضا علیه السلام با توجه به خطر این گروه تا پایان عمر شریفشان به جلوگیری از این انحراف توجه ویژه داشتند؛ زمانی که در مدینه بودند و آن‌گاه که در مرو حضور داشتند و حتی در مسیر مدینه به خراسان، از راهنمایی افراد برای دوری از واقفیان غافل نبودند؛ چنان‌که در مسیر خراسان شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی از امام درباره واقفیه پرسیدند و امام پاسخ او را دادند.^۲ حسین بن علی و شاء نیز از واقفیان بود^۳ که پس از دیدار با امام رضا علیه السلام و گفتگو با آن حضرت از اندیشه واقفیان روی گردان شد، به امام رضا علیه السلام پیوست و پس از آن حضرت نیز همواره در کنار امامان بعدی بود. بر اساس گزارش ابن شهر آشوب، امام رضا علیه السلام او را به مرو فراخواند و از مرگ علی بن حمزه بطائنی و سرنوشت او و احوالش در قبر خبر داد. همین گفتگو بازگشت حسن بن و شاء را به دنبال داشت و او از یاران امام رضا علیه السلام و امامان بعدی شد.^۴ گفتگوهای امام رضا علیه السلام برای حل بحران واقفه به اندازه‌ای بود که محمد بن عیسی یقطینی از پانزده هزار مسئله در این باره یاد می‌کند.^۵ افراد متعددی با گفتگوی امام رضا علیه السلام از واقفیان فاصله گرفتند. حسین بن بشار از یاران امام کاظم علیه السلام بود که شهادت ایشان و امامت حضرت رضا علیه السلام را قبول نداشت، اما با گفتگوی حضرت ثامن الحجج علیه السلام از اندیشه نادرستش بازگشت.^۶ این گفتگوها در رفع تنش‌های اجتماعی بسیار اثرگذار بود.

گفتگوهای برون‌دینی مانند گفتگو با سران و نمایندگان یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۱.

۴. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۷.

۵. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۳.

۶. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۸۴۷.

صابیان که برای دوری از تکرار و تفصیل، در ادامه مقاله و در ضمن راهکارهای امام علیه السلام بدان‌ها اشاره خواهد شد.

ب) راهکارهای امام در گفتگو

امام رضا علیه السلام در گفتگوهای خود با افراد و گروه‌های مختلف از روش‌ها و نوآوری‌های خاصی بهره می‌گرفتند و همین روش‌ها افزون بر بیشترکردن اثرگذاری آن گفتگوها، از تنش‌های احتمالی جلوگیری می‌کرد. امام در گفتگوهای خود ضمن احترام گذاشتن و تکریم طرف مقابل، از روش‌های متفاوتی مانند استفاده از باورها و اعتقادات طرف مقابل، تحمل باورهای دیگران، گوش دادن به سخن مخالفان و استفاده از دلیل عقلی بهره می‌بردند.

تکریم و مهرورزی

یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش تنش اجتماعی، تکریم و مهرورزی در برابر مخالفان است. هرگاه انسان در مواجهه با افراد مختلف به‌ویژه مخالفان پا را از دایره انصاف فراتر نگذارد، ادب را رعایت کند و از در تکریم و مهر ورزی وارد شود، می‌تواند امیدوار به همراهی طرف مقابل و به دنبال آن کاهش تنش اجتماعی باشد. امام رضا علیه السلام که همانند اجداد طاهرینش الگوی کاملی برای رهبری جامعه بودند، همواره در گفتگوهای خود به تکریم افراد و گروه‌های مختلف توجه داشتند. ایشان نه تنها به کسی توهین نکردند، بلکه همواره افراد را از آن برحذر می‌داشتند. تمسخر و به‌کارگیری الفاظ نامناسب در سیره رضوی جایی نداشت و از آن به‌شدت نهی می‌کردند و همین مسئله یکی از رموز موفقیت آن حضرت بود. ابراهیم بن عباس می‌گوید هرگز ندیدم امام رضا علیه السلام در گفتگو با کسی درشتی کند یا کلام او را قطع کند.^۱ امام علیه السلام حتی طرف مقابل را نیز به پیروی از همین شیوه توصیه می‌کردند؛ چنان‌که در گفتگو با عمران صابی پیش از مناظره فرمودند: «ای عمران، هرچه می‌خواهی بپرس؛ اما انصاف را فروگذار مکن و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش».^۲ هنگامی که سلیمان مروزی در مناظره با امام رضا علیه السلام از پاسخ‌گویی عاجز شد و نتوانست پاسخ درستی بدهد، حاضران در مجلس او را به تمسخر گرفتند و خندیدند؛ اما آن حضرت ضمن دعوت حاضران به حفظ آرامش مجلس، سلیمان

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۶۸.

مروزی را تکریم کردند و فرمودند: «إِزْفُتُوا بِمُتَكَلِّمِ خَرَّاسَان».^۱ امام علیه السلام با این کلام هم او را تکریم کردند و جایگاه او را به عنوان متکلم خراسان بالا بردند و هم آرامش را به او برگرداند تا با آرامش بهتر سخن بگوید. امام رضا علیه السلام حتی به رفتار مأمون با سلیمان نیز واکنش نشان دادند؛ هنگامی که مأمون با دیدن تناقض‌گویی‌های سلیمان، سخن او را قطع کرد و زبان به ملامت او گشود، امام علیه السلام از سلیمان خواست سخن خود را ادامه دهد.^۲ این رفتار امام و احترام او به طرف مقابل و حتی واکنش آن حضرت به رفتار نامناسب برخی حاضران در مجلس، به طور طبیعی همراهی بهتر و بیشتر طرف گفتگو را به دنبال داشت و سبب کاهش تنش‌های اجتماعی می‌شد.

رعایت حقوق برابر

یکی از مهم‌ترین نکات اثرگذار در گفتگو، نداشتن احساس تبعیض و نابرابری از سوی مخاطب است؛ همان شیوه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که قرار بود با فردی عادی در برابر قاضی قرار گیرد و قاضی او را با عنوان خاص و طرف مقابل را بدون چنان احترامی صدا زد، امیرالمؤمنین علیه السلام لب به اعتراض گشود و خواهان برابری حتی در خطاب شد و همین اقدام امیرالمؤمنین، سبب گرایش او به اسلام گردید.

امام رضا علیه السلام نیز در گفتگوهای خود به همین نکته را توجه می‌کردند؛ چنان‌که حتی مأمون خلیفه عباسی را از دخالت در مناظره با سلیمان مروزی بر حذر داشتند.

گوش‌دادن به سخن مخالف و تحمل دیدگاه و باورهای دیگران

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش تنش در جامعه، احترام‌گذاشتن به باورهای مخالفان و گوش‌دادن به سخن طرف مقابل است. امامان شیعه افزون بر اینکه همواره بر این روش عمل می‌کردند، به دیگران نیز توصیه می‌نمودند؛ به گونه‌ای که حتی مخالفان اهل بیت علیهم السلام نیز بدان اعتراف می‌کردند. مفضل بن عمر از یاران امام صادق علیه السلام در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله با گفتگوی ابن‌ابی‌العوجاء و یارانش درباره خدا و پیامبر مواجه شد و به شدت بر آنها عصبانی شد و بر سر آنها فریاد کشید؛ اما ابن‌ابی‌العوجاء ضمن دعوت از او به مناظره، گفت: «اگر از یاران جعفر بن محمد هستی، او هرگز با ما چنین سخن نمی‌گوید و مانند تو با ما مجادله نمی‌کند. او بیش از آنچه تو از ما شنیدی، سخنان ما را شنیده است؛ ولی در گفتگو با ما هرگز دشنام نمی‌دهد و در

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۴۶.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۳.

پاسخ به ما تعدی نکرده است. او باوقار و بردبار و عاقل و استوار است. به سخنان ما گوش می‌دهد و به دلیل ما توجه می‌کند تا سخنان خود را به طور کامل می‌گوییم و گمان می‌کنیم او را مغلوب کرده‌ایم. آن‌گاه او حجت ما را با دلیلی ساده و خطایی کوتاه باطل می‌سازد و ما را به دلیل خود ملزم می‌کند و ما نمی‌توانیم پاسخ او را بدهیم. اگر تو از یاران او هستی، مانند او سخن بگو.^۱ این شیوه امام صادق علیه السلام در سیره امام رضا علیه السلام نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در گفتگو با سلیمان مروزی که در پاسخ امام به تناقض گویی افتاده بود، نه تنها او را تحقیر نکرد، بلکه با حوصله به سخن او گوش دادند و دیگران را نیز بدان توصیه کردند.^۲

دوری از تعصب

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راهکارها در مناظره‌ها و گفتگوها، دوری از تعصب است. هرگاه کسی بدون توجه به استدلال و از روی تعصب بر مطلبی پافشاری کند، راه را بر علم و دانش و عقل‌گرایی و هم‌گرایی اجتماعی می‌بندد؛ درحالی‌که دین اسلام و امامان معصوم همواره از آن نهی کرده‌اند و در رفتار خود نیز آن را نشان می‌دادند. نگاهی به مناظره‌ها و گفتگوهای امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد ایشان در گفتگو با پیروان ادیان و مذاهب نه تنها تعصبی نداشتند، بلکه حتی در مقابل آنان به تعالیم موجود در آثار خودشان استدلال می‌کردند. حضور رأس‌الجالوت به نمایندگی از یهودیان، جاثلیق مسیحی با عنوان نماینده مسیحیان، هیربد بزرگ موبدان زردشتی و عمران صابی نماینده صابیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی نشان بارزی از نداشتن تعصب امام در برابر آنهاست و این مسئله نقش کم‌نظیری در کاستن از تنش‌های اجتماعی دارد؛ به‌ویژه آنکه امام افزون بر رهبری معنوی مسلمانان، ولایت‌عهدی خلافت را نیز عهده دار بودند و اگرچه این مقام برای امام هیچ ارزش و آورده‌ای نداشت، اما در نظر مردم منصبی رسمی و حکومتی بود و بهادادن به آنان در هم‌گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار بود. درواقع امام رضا علیه السلام بنیان‌گذار گفتگوی بین‌الادیانی بودند و در این راستا دقیق و حساب‌شده برای کاستن از تنش‌های اجتماعی قدم برداشتند. این اقدام امام رضا علیه السلام و توجه به پیروان دیگر ادیان به گونه دیگری نیز در سیره آن حضرت نمود یافته است؛ چنان‌که نامه‌ای از نیشابور به دست مأمون رسید که در آن از

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۵۸؛ حمیدرضا مطهری، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، ص ۲۳۲.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۸.

وصیت یک فرد زردشتی درباره ثروتش خبر داده بود؛ مردی زردشتی از دنیا رفته و وصیت کرده بود اموالش بین فقیران تقسیم شود و قاضی آن را میان فقیرای مسلمان تقسیم کرده بود. مأمون از امام رضا علیه السلام درباره آن پرسید و امام فرمود فرد زردشتی به مسلمان صدقه نمی‌دهد و باید دستور دهی به همان اندازه از بیت‌المال مسلمانان بردارند و بین فقیران زردشتی تقسیم کنند.^۱ این دستور امام رضا علیه السلام به طور طبیعی نه‌تنها تنش‌زدایی می‌کند، بلکه در ایجاد هم‌گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار است.

کتاب‌نامه

قرآن

۱. ابن‌شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، التوحید، تصحیح: هاشم حسینی طهرانی، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۴. _____، الخصال، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: حسین اعلمی، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، [بی‌تا].
۷. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۸. _____، کتاب الغیبة للحجة، تصحیح: عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح، ج ۱، قم: دارالمعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی ■ ۱۳۹

۱۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، چ ۱، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.

۱۱. مطهری، حمیدرضا، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

۱۲. ناصری، ریاض محمد حبیب، الواقفیه: دراسة تحليلية، چ ۱، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.